

آموزش زبان انگلیسی و

نفوذ فرهنگی آمریکا

ویرسندگان:

قاسم قنبری خا، حسین حسینی

دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مؤسسه چاپ و انتشارات

۴۹۹

سری امنیت - ۸۱

سرشناسه	قاسم قنبری خانقاه، ۱۳۳۶ -
عنوان و پدیدآور	آموزش زبان انگلیسی و نفوذ فرهنگی آمریکا/ نویسندگان: قاسم قنبری خانقاه، حسین حسینی.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	بیست و دو، ۲۷۰ ص: مصور، جدول، نمودار.
فروست	دانشگاه جامع امام حسین(ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۴۹۹، سری امنیت: ۸۱.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۵۲-۵۱۸-۶
وضعیت فب	فیبیا.
یادداشت	کتابخانه ص. ۲۴۱.
موضوع	زبان - جنبه‌های سیاسی، Language - Political aspects
موضوع	زبان - فارسی - ایران - فراگیری، Acquistition- Iran- English language
موضوع	جنگ نرم ایران، Soft war - Iran
موضوع	جنگ نرم - ایالات متحده، Soft war - United states
موضوع	فرهنگ‌زدایی، A cultvation
شناسه افزوده	حسینی، حسین، ۱۳۴۰ -
شناسه افزوده	دانشگاه جامع امام حسین(ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ۱۱۹/۳/۹۱۸ P
رده‌بندی دیویی	۴۰۱/۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۷۹۵۲۷

• عنوان: آموزش زبان انگلیسی و نفوذ فرهنگی آمریکا

- نویسندگان: قاسم قنبری خانقاه، حسین حسینی
- ویراستار ادبی: معصومه کریمی‌بخش
- صفحه‌آرایی: ناهید آقامیرزایی
- طراح جلد: سید حسین حسینی
- نوبت چاپ: اول (بهمن ۱۳۹۵)
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، معاونت پژوهش، مؤسسه چاپ و انتشارات،
- تلفن: ۷۷۱۰۵۷۶۰، همراه: ۰۹۱۳۴۸۷۰۰۱۷ دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۵۲
- مرکز بخش: تهران، میدان فردوسی، فروشگاه و نمایشگاه مؤسسه چاپ و انتشارات، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تلفن: ۸۸۸۳۹۲۹۷ دورنگار: ۸۸۸۳۹۲۹۸

مقدمه		پانزده)
-------	-------	---------

فصل ۱: زمینه‌های نظری نفوذ فرهنگی		۱
نظریه قدرت نرم		۳
الف. تعریف قدرت نرم		۳
ب. تاریخچه قدرت نرم		۵
ج. قدرت نرم و نفوذ فرهنگی		۷
د. ویژگی‌های قدرت نرم		۹
هـ. کارکرد قدرت نرم		۱۰
و. قدرت نرم و قدرت سخت		۱۳
قدرت نرم آمریکا		۱۶
الف. قدرت نرم آمریکا و نفوذ فرهنگی		۱۸
ب. قدرت نرم آمریکا و مدرنیته		۲۲
ج. قدرت نرم آمریکا و جهانی‌سازی		۲۲
د. قدرت نرم آمریکا و آموزش		۲۳
آموزش زبان انگلیسی		۲۶
الف. فرایند گسترش زبان انگلیسی		۲۷
ب. آموزش زبان انگلیسی و امپریالیزم زبانی		۳۱
ج. آموزش زبان و آموزش فرهنگ		۳۷
د. آموزش زبان و سبک زندگی		۴۵
هـ. آموزش زبان انگلیسی و تهاجم فرهنگی		۴۷
و. آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی یا زبان دوم		۵۱

- ۵۶ ز. آموزش زبان انگلیسی و جهانی شدن
- ۵۷ ح. آموزش زبان انگلیسی و فرهنگ آمریکایی
- ۶۱ ط. آموزش زبان انگلیسی و قدرت نرم
- ۶۵ ی. مؤلفه‌های اصلی آموزش زبان

فصل ۲: رابطه قدرت نرم و نفوذ فرهنگی آمریکا ۷۱

۷۲ منابع قدرت نرم آمریکا

۷۳ الف - منبع فرهنگی

۸۱ ب - منبع اقتصادی

۸۳ منبع سیاسی

۸۴ ۱ - سیاست خارجی

۸۷ ۲ - رؤیای آمریدایی

۸۸ ابعاد قدرت نرم آمریکا

۹۰ الف. بعد شکوه و شاخص‌های آن

۹۵ ب. بعد زیبایی و شاخص‌های آن

۹۹ ج. بعد خیرخواهی و شاخص‌های آن

۱۰۵ مدل مفهومی قدرت نرم

۱۰۶ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم

۱۱۱ اهداف قدرت نرم آمریکا

۱۱۲ الف. مشروعیت دادن به حکومت آمریکا

۱۱۴ ب. کسب موقعیت بین‌المللی

۱۱۶ ج. مدیریت و شکل دادن به افکار عمومی جهان

فصل ۳: بررسی منابع آموزش زبان انگلیسی ۱۲۳

۱۲۴ ویژگی‌های منابع آموزش زبان انتخابی برای تحلیل محتوا

تعریف مقوله‌ها و اهداف قدرت نرم ۱۲۷

تحلیل محتوای منابع آموزش زبان ۱۳۲

تحلیل محتوای بسته آموزش زبان انگلیسی تلویزیون صدای آمریکا ۱۳۲

تحلیل بسته آموزش زبان انگلیسی تلویزیون صدای آمریکا ۱۴۳

تحلیل اهداف قدرت نرم در بسته آموزش زبان انگلیسی تلویزیون صدای آمریکا ۱۴۶

تحلیل محتوای بسته آموزش زبان انگلیسی امریکن انگلیش فایل ۱۴۸

تحلیل محتوای مجموعه آمادگی تافل لانگمن ۱۶۰

تحلیل کلی مجموعه آموزش زبان تافل لانگمن ۱۶۷

تحلیل محتوای کتاب امریکن هدوی ۱۷۰

تحلیل فراوانی مقوله‌های قدرت نرم در منبع آموزش زبان انگلیسی امریکن هدوی ۱۸۰

تحلیل فراوانی اهداف قدرت نرم در منبع آموزش زبان انگلیسی امریکن هدوی ۱۸۳

تحلیل محتوای مجموعه آموزش زبان اینترچنج ۱۸۳

تحلیل فراوانی مقوله‌های قدرت نرم در مجموعه اینترچنج ۱۸۹

فراوانی ابعاد قدرت نرم در مجموعه اینترچنج ۱۸۹

تحلیل فراوانی اهداف قدرت نرم در مجموعه آموزش زبان انگلیسی اینترچنج ۱۹۰

فصل ۴: واکنش در برابر نفوذ فرهنگی آمریکا ۱۹۷

ضرورت طراحی راهکاری برای مقابله با اهداف قدرت نرم آمریکا ۱۹۸

نقش مؤلفه‌های آموزش زبان در مقابله با اهداف قدرت نرم آمریکا ۲۰۰

۱- سیاست‌گذاران ۲۰۱

۲- مدیران ۲۰۲

۳- زبان‌آموزان ۲۰۳

۴- اهداف یادگیری زبان انگلیسی ۲۰۳

۵- منابع آموزشی ۲۰۵

۶- مدرسان زبان انگلیسی ۲۰۶

- ۲۰۸ ۷- روش تدریس
- ۲۰۸ ۸- فضای آموزشی
- ۲۰۹ ۹- خانواده
- ۲۱۰ راهکارهای مقابله با اهداف قدرت نرم آمریکا
- ۲۱۵ ویژگی‌های راهکارهای مقابله با قدرت نرم آمریکا
- ۲۲۴ اعتبارسنجی راهکارها

- ۲۲۵ فصل ۵: بحث و نتیجه‌گیری
- ۲۲۶ بررسی نتیجه‌های پژوهش
- ۲۳۲ نتیجه‌گیری
- ۲۳۶ پیشنهادها و راهکارها
- ۲۳۸ پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده
- ۲۴۱ فهرست منابع

مقدمه

غرب در راستای استیلاجویی فرهنگی خود فرایندی را در پیش گرفت که از طریق امپریالیسم فرهنگی و گسترش قدرت نرم برای برترنمایی فرهنگ غربی و دستیابی به مرجعیت فرهنگی در برابر فرهنگ‌های دیگر به جریان افتاد که هم‌اکنون نیز گسترده‌تر از قبل ادامه دارد. هدف این رویکرد فرهنگی استیلاجویانه غرب این است که نشان دهد فرهنگ غرب به‌ویژه فرهنگ امریکایی، از نوع دست بالا است و فرهنگ‌های دیگر دست پایین هستند. بر این دستیابی به این هدف، سیاست‌گذاران فرهنگی غرب تلاش می‌کنند تا فرهنگ غربی را بر جهانیان تحمیل کنند. آمریکا برای تحقق این هدف، همه امکانات و ابزارهای فرهنگ از جمله رسانه‌ها، اینترنت، ابزارهای آموزشی و مانند آنها را به خدمت گرفته است. این رویکرد را می‌توان مسئله‌ای پدید آورده است که در راستای امپریالیسم فرهنگی و زیر عنوان قدرت نرم در این تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد.

قدرت نرم از مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم هرچند یک اصطلاح نوساخته است، اما می‌توان آن را به‌عنوان نامی تازه برای پدیده‌ای که از گذشته وجود داشته است، تلقی نمود. این پدیده قدیمی همان امپریالیسم فرهنگی است. پس از جنگ جهانی دوم، قدرت‌های استعمارگر دریافتند که شیوه سنتی امپریالیسم دیگر پاسخگو نیست و اکنون ملت‌ها بیدار شده و زیر بار آن نمی‌روند. امپریالیسم می‌بایست چهره عوض می‌کرد تا بتواند استمرار داشته باشد. به این دلیل استعمار از شیوه امپریالیسم سنتی دست برداشت و روش نوینی را پیش گرفت. در این شیوه، استعمار رنگ عوض کرد و به‌جای توسل به شیوه‌های زورمدارانه و گاهی توأم با آن از روش‌های به ظاهر مسالمت‌آمیز استفاده کرد. ابزار خصمانه و سخت استعماری در لایه‌ای از واژگان زیبا و نو پنهان شدند و روش‌های خصمانه کنار گذاشته شد و به‌جای آنها شیوه‌های به ظاهر آراسته مورد استفاده قرار گرفت. هجوم خصمانه و

سرکوبگرانه، ظاهری زیبا و مورد پسند به خود گرفت و با توسل به عناصر فرهنگی از روشی آراسته و ملایم بهره بردند. دیگر از حمله نظامی و اشغال کشورها و ابزارهایی مانند توپ، تانک، هواپیما و کشتی جنگی کمتر استفاده می‌شد. کشورهای استعمارگر به جای تلاش برای تصرف یک کشور و به غارت بردن آشکار منابع آن تلاش کردند تا بر فرهنگ و ارزش‌های ملی و بومی آن نفوذ کنند و خود را در دل آنها جای دهند. این رویکرد از دهه ۱۹۷۰ با عنوان امپریالیزم فرهنگی با هدف سلطه فرهنگی توسط غرب پی گرفته شد.

رشد استفاده از فرهنگ برای اهداف استعماری و امپریالیزم فرهنگی تا دهه هشتم قرن بیستم ادامه داشت. در این دوره، جوزف نای این فرایند را در قالب دیگری به نام قدرت نرم معرفی کرد. قدرت نرم در واقع همان اهدافی را دنبال می‌کند که زمانی با استعمار قدیم و پس از آن استعمار نو دنبال می‌شد. هدف در هر سه روند رسیدن به برتری است، اما ابزار آنها متفاوت است. در استعمار قدیم از راه زور و قدرت نظامی به قدرت می‌رسیدند، اما در امپریالیزم فرهنگی و قدرت نرم از روش‌های فرهنگی و نرم استفاده می‌شود.

استفاده از ابزار فرهنگی، مانند ادبیات، هنر، رسانه، در راستای اهداف امپریالیزم فرهنگی و پس از آن در جهت قدرت نرم قرار گرفت. آمریکا از این ابزار برای گسترش قدرت نرم خود بیشترین بهره‌برداری را انجام می‌دهد. اکنون بسیاری از رسانه‌های جهانی به آمریکا تعلق دارند و بزرگ‌ترین مراکز علمی و هنری جهان در آمریکا مستقر هستند. استفاده از آموزش زبان انگلیسی نیز در همین راستا مورد توجه آمریکا قرار دارد. بسیاری از منابع آموزش زبان انگلیسی در آمریکا تهیه می‌شوند و نیز آزمون‌های استاندارد زبان انگلیسی در سراسر جهان به مرکزیت آمریکا برگزار می‌شوند. آمریکا توانسته است مرجعیت آموزش‌ها و پژوهش‌های علمی را نیز با استناد به مرجعیت در آموزش زبان انگلیسی به خود اختصاص دهد. مقالات و کتاب‌های علمی سراسر جهان

برای برخورداری از امتیاز استاندارد بودن جهانی به انگلیسی ترجمه می‌شوند و برای مراکز آمریکایی ارسال می‌شوند.

آمریکایی‌ها با احساس برتری نسبت به دیگر فرهنگ‌ها تلاش می‌کنند تا فرهنگ خود را به‌عنوان فرهنگی برتر به دیگران تحمیل کنند و آنها را وادار نمایند تا فرهنگ خود را متناسب با ارزش‌ها و اصولی سازگار کنند که در فرهنگ آمریکایی خوب و پسندیده تلقی می‌شوند. شین و نمکینگ به این موضوع پرداخته و می‌نویسند: «تلاش برای دستیابی به سلطه آمریکا نه تنها در زمینه سیاسی-اقتصادی و نظامی کاملاً آشکار است، بلکه در زمینه فرهنگی نیز انجام می‌شود. همچنان که نای در کتاب قدرت نرم خود حفظ سلطه فرهنگی را به‌طور کلی برای حفظ رهبری سیاست بین‌الملل ضروری می‌داند» (شین و نمکینگ، ۲۰۰۴: ۱۱۶). این موضوع از چند بعد قابل تأمل است.

نکته مهم در این موضوع به ارتباط زبان انگلیسی آمریکایی و فرهنگ آمریکایی مربوط می‌شود. امروزه مشاهده می‌شود که زبان انگلیسی به‌ویژه زبان انگلیسی آمریکایی در سراسر جهان گسترده است. در همین راستا، شاهد گسترش فرهنگ آمریکایی نیز هستیم که هم فرهنگ بومی ایرانی اسلامی را تهدید می‌کند و هم بر قدرت نرم آمریکا می‌افزاید. دامنه این گسترش حوزه‌های آموزشی از آموزش دوره راهنمایی گرفته تا دبیرستان و دانشگاه (بیشتر از همه در دوران تحصیلات تکمیلی)، سیاسی، تجاری و اقتصادی، فناوری، هنری و ادبی را فرا گرفته است. صرف‌نظر از اینکه علت این گسترش چیست و ضرورت آموزش زبان در کشورهایی مانند ایران در حال حاضر تا چه حد است، پیامد این جریان به‌صورتی هژمونیک آن‌چنان جدی و نگران‌کننده است که شاخه‌ای مستقل در امپریالیزم را با عنوان «امپریالیزم زبانی» به خود اختصاص داده است. امپریالیزم زبانی که بیشتر به‌صورت امپریالیزم زبان انگلیسی رواج یافته است در راستای امپریالیزم فرهنگی قرار دارد و درصدد است تا زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان جهانی بر گویشوران زبان‌های دیگر تحمیل کند. براساس سناریوی امپریالیزم زبانی، در نتیجه این

تحول گسترده، زبان‌های بومی و ملی به تدریج رنگ می‌بازند و جای خود را به زبان انگلیسی می‌دهند.

دغدغه مهمی که نگارنده را بر آن داشته است تا موضوع آموزش زبان انگلیسی را در ایران پیگیری نماید، غافل ماندن از تفاوت آشکاری است که در هدف، روش تدریس، اهداف یادگیری و محتوای منابع آموزشی وجود دارد. دغدغه این است که بدون توجه به هدف آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در ایران از روش‌ها و منابعی استفاده می‌شود که برای آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم توأم با زبان رسمی فراهم شده‌اند. البته کاربرد این منابع و روش‌ها برای چنین اهدافی به نوبه خود چالش‌انگیز است، اما است کم در محیط آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی نباید این اهداف پیگیری شود.

مهم‌ترین سندی که این نوع سیاست‌گیری را در دیپلماسی عمومی آمریکا نشان می‌دهد، راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۰ است. در این سند لزوم توجه به آموزش زبان انگلیسی در راستای گسترش قدرت نرم آمریکا به روشنی بیان شده است و بر بهره‌برداری و سودی که این رویکرد برای آمریکا به ارمغان می‌آورد، تأکید می‌کند:

گسترش زبان انگلیسی و نفوذ فرهنگ آمریکا از ریت اصلی و بزرگ آمریکایی‌ها در سفر، کار و مذاکره با کشورهای خارجی است. ما باید مهارت‌های این زمینه‌ها را به ما کمک می‌کند در اقتصاد پویا و متنوع جهانی موفق باشیم. ما این برنامه‌هایی حمایت خواهیم کرد که منافع و رهبری ما را در زبان‌های خارجی و امور روز فرهنگی ترویج می‌دهند، از جمله برنامه‌های مبادلات بین‌المللی (راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۰).

بررسی منابع آموزشی کتبی و چندرسانه‌ای آموزش زبان نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران آموزش زبان انگلیسی به شدت درصدد ترویج فرهنگ آمریکایی و به طور خاص گسترش مؤلفه‌های قدرت نرم هستند. شواهد این فرضیه را تقویت می‌کند که آمریکا سازوکار خاصی برای بهره‌برداری از آموزش زبان انگلیسی طرح‌ریزی کرده است

که ناآگاهی یا چشم‌پوشی از آن در ایران پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت.

افزایش محبوبیت و جاذبه آمریکا، قدرت نرم این کشور را در ایران افزایش می‌دهد. در صورت به بار نشستن این برنامه در میان زبان‌آموزان ایرانی، زمینه برای پذیرش فرهنگ آمریکایی و توجیه‌پذیر شدن اقدامات استیلاجویانه سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا فراهم خواهد شد. این راهبرد در مورد جمهوری اسلامی ایران که از ابتدای تشکیل همواره مورد تهاجم آمریکا بوده است، دغدغه و چالش بیشتری دارد. مسئله اصلی این است که در تهیه منابع آموزش زبان انگلیسی پا از محدوده روند طبیعی همراهی فرهنگ و زبان فراتر می‌رود و همچنان که حاجی رستم‌لو در مورد بار فرهنگی متون آموزش زبان نتیجه گرفته است، «طرح فوق‌العاده گسترده این موضوعات در بعضی از کتب آموزشی حتی مجموعه‌ای سلی آنها یعنی آموزش زبان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد که این کتاب‌ها صرفاً برای تبلیغ فرهنگی طراحی شده‌اند، نه برای آموزش زبان» (حاجی رستم‌لو، ۱۳۸۶).

وضعیت خاص آموزش زبان انگلیسی در ایران که ملاحظات فرهنگی در آن بسیار پررنگ است و نسبت به پدیده‌های فرهنگی حساسیت زیادی دارد، به این صورت است که این زبان به‌عنوان زبان خارجی در مدارس و مراکز آموزش زبان و دانشگاه‌های ایران در سطحی گسترده تدریس می‌شود. شتاب آموزش زبان انگلیسی چنان زیاد است که در برخی از مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی نیز آموزش آن آغاز شده است. در برخی از مراکز آموزش زبان، به‌ویژه در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها متون درسی انگلیسی تا حدی بومی شده‌اند، اما منابع کتبی و چندرسانه‌ای زبان انگلیسی در بیشتر مراکز و مؤسسات آموزش زبان در سطح زبان عمومی و زبان پیشرفته و کتاب‌های آمادگی آزمون تافل به همان صورتی که در آمریکا تدوین شده‌اند، آموزش داده می‌شوند. البته اصلاحات ظاهری و حذف و اصلاح تصاویر و برخی واژگان در تعدادی از منابع کتبی و چندرسانه‌ای انجام شده است، اما عمومیت ندارد و مفاهیم و نشانه‌های قدرت نرم مورد توجه قرار نگرفته است.

به نظر می‌رسد گسترش قدرت نرم آمریکا از راه آموزش زبان انگلیسی در ایران، آهسته و پیوسته راه خود را می‌رود و به علت اثرگذاری‌های غیرمستقیم و درازمدت این رویکرد، کمتر کسی به آن توجه کرده است. اهمیت ویژه آموزش زبان انگلیسی در ایران نیز بیشتر از اینجا سرچشمه می‌گیرد که اکنون انگلیسی، زبان علم شمرده می‌شود و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که درصدد پیشرفت علمی در سطح جهانی است، اهتمام ویژه‌ای به آموزش این زبان در تمام سطوح دارد.

با توجه به شواهد و اسناد عرضه شده در این بخش، تلاش آمریکا برای گسترش قدرت نرم از راه آموزش زبان انگلیسی روشن به نظر می‌آید. این کتاب به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که آمریکا از چه سازوکارهایی برای افزایش قدرت نرم خود مثل آموزش زبان انگلیسی بهره‌برداری می‌کند. پس از یافتن پاسخ، با هدف مقابله با اهداف قدرت نرم آمریکا، راهکارهایی عملی عرضه خواهد شد. این راهکارها تمام مؤلفه‌های اثرگذار در آموزش زبان را دربرمی‌گیرد و روشن می‌کند که چگونه می‌توان با استفاده از عناصر آموزش زبان، آسیب‌رسانی‌های آن را کاهش داد.

در ایران با وجود تلاش‌هایی که برای مواجهه با این وضعیت انجام می‌شود، سلطه زبان انگلیسی آمریکایی همچنان ادامه دارد. با طرح قدرت نرم در دهه‌های اخیر، ردپای آن در منابع آموزش زبان در ایران نیز مشاهده می‌شود. این کتاب با درک این مسئله در جست‌وجوی کشف سازوکارهایی است که آمریکا برای گسترش قدرت نرم خود از راه آموزش زبان انگلیسی به کار می‌برد. علاوه بر آن، این کتاب درصدد است، راهکارهای مقابله با این ترفند آمریکا را نیز ارائه کند.

هدف اصلی کتاب این است که نشان دهد آمریکا از چه ساز و کارهایی برای رسیدن به هدف افزایش قدرت نرم خود در منابع آموزش زبان انگلیسی استفاده می‌کند. در این کتاب ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم آمریکا در منابع آموزش زبان انگلیسی آمریکایی در ایران جستجو می‌شود و شیوه‌های بهره‌برداری آمریکا از این منابع

در گسترش قدرت نرم و اهداف آن شناسایی می‌شود. در ادامه راهکارهای مقابله با این سازوکارها عرضه می‌شود. این راهکارها با هدف کاهش آسیب‌پذیری زبان‌آموزان و مصون کردن آنان در برابر فرایند افزایش قدرت نرم آمریکا طراحی می‌شود.

در این نوشتار به یکی از پنهان‌ترین لایه‌های جنگ نرم پرداخته می‌شود که دارای بعد راهبردی است. این لایه که به تدریج و به صورت زیربنایی شکل می‌گیرد، در فکرسازی و تغییر نگرش نونهالان و جوانان کشور در مورد آمریکا نقش ایفا می‌کند و به آرامی و بدون سروصدا تربیت فرهنگی آنان را شکل می‌دهد. منابع آموزش زبان در مواردی با اندکی تغییر و رفع اثر ناهنجاری‌های فرهنگی نوشتاری یا تصویری در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی، در سطوح مختلف در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌گیرد و به تدریج همراه با یادگیری زبان انگلیسی، فرهنگ آمریکایی به شیوه‌ای عرضه می‌شود که شاخص‌های قدرت نرم آمریکا در آن تقویت می‌شود. شاید بتوان پرداختن به سناریونویسی قدرت نرم آمریکا علیه ایران را از راه آموزش زبان انگلیسی در مقایسه با شیطنتها و ناآرامی‌های ضدانقلابی به عنوان مبارزه با علت در برابر مبارزه با معلول تلقی نمود. در واقع نگرش مثبت نونهالان و جوانان ایرانی ابتداءً در مراکز آموزش زبان شکل می‌گیرد و نوعی هم‌نوایی و جاذبه در آنها ایجاد می‌شود. سپس از آن در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی از آن به راحتی در راستای منافع آمریکا بهره‌رسانی می‌شود. نگارنده با برخورداری از تجربه در آموزش زبان انگلیسی و تحصیل در رشته مطالعات فرهنگی، از طرفی با نظریه‌ها و رویکردهای آموزش زبان و ارتباط زبان و فرهنگ آشناست و از سوی دیگر با نگاه فرهنگی راهبردی در راستای جنگ نرم به مسئله می‌پردازد. نگارنده ضمن بهره‌جویی از منابع فارسی، به منابع اصلی و ترجمه نشده به روز دسترسی داشته و تلاش کرده است با مراجعه به مطالب دست‌اول به منابع مورد استفاده در کتاب غنای بیشتری ببخشد.

ممکن است این پرسش مطرح شود که از میان ابزارهای زیادی که برای ترویج یک فرهنگ و نفوذ در فرهنگ‌های دیگر وجود دارد، مانند رادیو، تلویزیون، سینما، ماهواره، اینترنت و نشریات، منابع آموزش زبان تا چه اندازه اهمیت دارد. نکته این است که منابع آموزش زبان اسناد اطمینان‌بخش و به ظاهر غیرتبلیغی به حساب می‌آیند که با فیلم‌های تبلیغی و تفریحی تفاوت دارند. از سویی تأثیر فرهنگی آنها که نامحسوس است و به تدریج رخ می‌نماید، زمینه‌ساز است و آثار بنیادی دارد و از طرف دیگر، جمعیت مخاطب با میل و اراده و با صرف هزینه به سوی آموزش می‌رود. مهم‌ترین ویژگی منابع آموزش زبان این است که زبان آموز با انگیزه یادگیری به سراغ آن می‌رود که این انگیزه اثری ماندگار بر او باقی می‌گذارد، درحالی که ابزارهای فرهنگی دیگر آثار سطحی و زودگذر دارند و مانند منابع آموزش زبان جدی گرفته نمی‌شوند. استفاده از این راه برای نفوذ در میان جمعیت هدف و تحقق اهداف امپریالیسم فرهنگی امریکا از راه دستیابی به شیفتگی فرهنگی به علت جذابیت زبان انگلیسی و ظاهر خیرخواهانه و آموزشی آن، به راحتی و بدون صرف هزینه و حتی با درآمدزایی همراه است. همان‌طور که استاد با تجربه امریکایی زبان انگلیسی به سیاست‌گذاران فرهنگی توصیه کرده است، «آموزش زبان انگلیسی فرصت مهمی است که از آن طریق می‌تواند قدرت نرم خود را در میان زبان‌آموزان افزایش دهد». وی می‌افزاید:

من نزدیک به ۴۰ سال در مراکز آموزش زبان انگلیسی موسسه ملی ایالتی (در امریکا) کار کرده‌ام و اکنون در آستانه بازنشستگی می‌خواهم تجربیات خود را در مورد اهمیت آموزش زبان انگلیسی در اختیار «مرکز مطالعات کمک به امنیت» قرار دهم. در این زمینه لازم است، یادآور شوم که زبان انگلیسی از قدرت بسیار عظیمی برای ایجاد نفوذ در دیگران برخوردار است. امروزه والدین در سراسر جهان پول زیادی خرج می‌کنند تا فرزندانشان انگلیسی یاد بگیرند. احساس نیاز به یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند برای امریکا منبع قدرت عظیمی ایجاد کند (توماس مولوی، ۲۰۰۳: ۱).